



# سیری در کتابهای بهائیان

خداپرستی در بهائیت

جلد اول : پیدایش بابیت و بهائیت

تالیف :

رضا سلطانزاده

انتشارات : دارالکتب الاسلامیه

به نام خدا  
اللهم عجل لولیک الفرج

[www.bahaismIran.com](http://www.bahaismIran.com) پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام

تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.

درضمن این پایگاه ( اینترنتی بهائیت در ایران [www.bahaismIran.com](http://www.bahaismIran.com) ) آمادگی کامل همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی دوستان را نیز دارد.

و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و خاطرات متبریان از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت می باشدرا دارد. امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند برداشت.

موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahaismIran@bahaismIran.com](mailto:bahaismIran@bahaismIran.com)

[bahaismIran@gmail.com](mailto:bahaismIran@gmail.com)

[info@bahaismIran.com](mailto:info@bahaismIran.com)

[bahaism\@yahoo.com](mailto:bahaism\@yahoo.com)

*[www.bahaismIran.com](http://www.bahaismIran.com)*

# فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	<b>فصل اول</b>
۵	پیدایش بابیت و بهائیت
۷	خدائی از نور مازندران
۷	کتابهایی که مورد قبول بهائیت است
۱۰	عقاید نویسندگان و مبلغان بهائی درباره خدائی میرزا حسینعلی
۱۲	ورقا خدا را در خواب دید
۱۳	خدا ظاهر شده است
۱۴	نویسنده کتاب ایقان میتواند خدا باشد
۱۷	جان دادن به فرمان مبارک است
۱۹	بهاء میتواند به انسان مرگ و زندگی عطا کند
۱۹	سال تولد خدائیکه خالق کائنات است
۲۱	بهاء حضرت کردگار است
۲۲	در هنگام سختی به میرزا حسینعلی پناه میبرند
۲۴	فاضل شیرازی از دست خدا (... ) کتاب گرفت
۲۶	بهائیان خدای ... نمیخواهند
۲۸	پیغمبران و کتابهای آسمانی فرستادگان خدای خدایان یعنی بهاء هستند
۳۰	سجده در مقابل خدا
۳۲	بها به راز دلها آگاه است

فبشر عبادالذین یستمعون القول  
فیتبعون احسنه «آیه 18- زمر»

# جلد اول

پیدایش بابیت

و

بهائیت

به نام خدا

# فصل اول

## پیدایش باییت و بهائیت

میرزا علی محمد شیرازی (1235-1266هـ-ق) فرزند میرزا رضا بزازپس از چند سال تحصیل علوم دینی در کربلا و شیراز مدعی مقام باییت شد<sup>۱</sup> و گفت من واسطه و رابط بین مردم و حضرت حجه بن الحسن عسگری (عج) هستم. پس از مدتی سکونت در شیراز و توبه از اعمال و ادعای خود در مسجد وکیل در حضور حاکم و مردم شیراز<sup>۲</sup> او روانه اصفهان و بعد از چند ماه توقف در آن شهر وی را به زندان ماکو و تبریز انتقال دادند در اواخر عمر ادعای قائمیت<sup>۳</sup> و شاعری<sup>۴</sup> و ربوبیت<sup>۵</sup> و آخر الامر در سال 1266 هجری قمری بدستور امیر کبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه در تبریز بدار آویخته و تیر باران گردید<sup>۶</sup> میرزا علی محمد شیرازی در زندان آذربایجان بسر میبرد که عده ای از یارانش از جمله آقای میرزا حسینعلی در

<sup>۱</sup> صفحه 3 و 4 مقاله شخصی سیاح

<sup>۲</sup> تاریخ نبیل صفحه 141

<sup>۳</sup> صفحه 22 مقاله شخصی سیاح

<sup>۴</sup> صفحه 124 مفاوضات

<sup>۵</sup> صفحه 5 لوح هیکل الدین

سال 1264 هجری در دشت بدشت دین اسلام را بخیال خود نسخ کردند.<sup>۷</sup> توجه فرمائید به اصطلاح مصلح جهان در زندان گرفتار بود و پیروان او شریعت پیشین را نسخ کردند! گروهی که از میرزا علی محمد تبعیت میکردند به بابی مشهور شدند. باب یکی از یاران خود میرزا یحیی معروف به صبح ازل را به جانشینی خویش و رهبری بایان انتخاب کرد اما بعد از چند سال میرزا حسینعلی از برادرش ((صبح ازل)) کناره گرفت و مدعی مقام پیشوایی و ریاست حزب بابی شد و پس از چندی روش باب نسخ کرد<sup>۸</sup> یاران میرزا یحیی به ازلی و پیروان میرزا حسینعلی به بهائی معروف شدند آقای میرزا حسینعلی پیش از مرگ، پسر خود عباس عبدالبهاء (ملقب به غصن اعظم) و فرزند دیگرش محمد علی (ملقب به غصن اکبر) را به ترتیب به جانشینی انتخاب کرد و مکرر میگفت: قد اصطفینا الاکبر بعدالاعظم<sup>۹</sup> اکبر را بعد از اعظم به عنوان پیشوا و بزرگ بهائیان انتخاب کردیم پس از مرگ آقای میرزا حسینعلی (1309 هجری) بین دو برادر اختلاف پیدا شد و آقای عبدالبهاء سفارش پدر را نادیده گرفت و نوه دختری خود شوقی افندی را به رهبری بهائیان انتخاب کرد بایان به فرقه های ازلی، قدوسی، بیانی، قره العینی و... و بهائیان به ثابتی، ناقضی و سهرابی و پیروان شوقی که فرقه اخیر نیز به چند دسته تقسیم شدند.

<sup>۶</sup> صفحه 548 تاریخ نبیل

<sup>۷</sup> صفحه 307 تذکرة الوفا و صفحه 170 قرن بدیع جلد اول

<sup>۸</sup> صفحه 24 اشراقات و صفحه 31 مکاتیب جلد 4

<sup>۹</sup> صفحه 418 ادعیه محبوب و صفحه 402 مجموعه الواح

<sup>۱۰</sup> صفحه 517 فرائد.

## « خدایی از نور مازندران »

آیا میدانید در ایران شخصی ادعای خدایی داشته و در قرن اتم و فضا دسته ای عملاً بر آن صحنه گذاشته اند و او را عبادت میکنند؟! آنان که با نوشته های بهائیت سر و کار دارند آگاهند آقای میرزا حسینعلی نوری مازندرانی (1233\_1309 هجری قمری) ضمن ادعاهای خود مدعی مقام خدایی شده و دیگر رهبران و بزرگ مبلغان این طایفه بخدائی او اعتراف نموده اند. آنچه نگاشته میشود بدون دلیل نیست بلکه عین نوشته های بهائیان می باشد که بنا بر آنچه در صفحه بعد خواهیم آورد جای انکاری برای آقایان بهائیان باقی نخواهد گذاشت.

## « کتابهایی که در مورد قبول بهائیت است »

روش تدوین و و نگارش این جزوه آنست هر چه درباره افکار و عقاید بهائیت نوشته می شود اقتباس از کتب رهبران و نویسندگانشان باشد تا راه انکار و سفسطه بر آنها بسته شود و اگر احیاناً بهائیان روشنند و حقیقت جو که کتابهای بهائیت را نخوانده و یا در اختیار آنها گذاشته نشده است بهتر بتوانند به گفتار روسا و نویسندگان و مبلغان خود پی ببرند. اینک بذکر دلایلی می پردازیم تا خوانندگان گرامی دریابند بهائیان چه کتابهایی را پذیرفته اند بعد با نقل قسمتی از مندرجات کتب مذکور ثابت می کنیم آقای میرزا حسینعلی (بهاء) خود را خدا دانسته و پیروانش نیز او را در مقام خدائی و ربوبیت پذیرفته و میراندن و

جان دادن را به فرمان او میدانند. عده ای پا را فراتر گذاشته و حضرت بهاء را خدا آفرین خوانده اند. باید

توجه داشت بنا بگفته رهبران بهائیت بهیچ عنوان تاویل و تفسیر در سخنان آنان جایز نیست.<sup>۱۱</sup>

1- سید عباس علوی خراسانی بزرگ مبلغ بهائیان مینویسد (کتاب) هنگامی اعتبار و سندیت دارد که یا به

اجازه حضرت بهاء الله جل ذکره باشد مانند تاریخ نبیل زرنندی و امثاله یا به اجازه حضرت عبدالبهاء عز

ثنا باشد مانند کتاب دکتر اسلمنت<sup>۱۲</sup> و اشباهه یا به اجازه و تصویب حضرت ولی امر الله (شوقی افندی) جل

سلطانه و یا از طرف مقدس ملی و محافل روحانیه و یا مجاز از طرف لجنه<sup>۱۳</sup> مخصوص باشد<sup>۱۴</sup>

2- آقای عباس عبدالبهاء فرزند آقای میرزا حسینعلی و دومین رهبر بهائیان (1260-1340 هجری

قمری) را عقیده بر این است: باید اساس و مقاصد این طایفه را از مضامین تعالیم و صحائف و لوائح استنباط

نمود ماخذ و دلایل و نصوصی اعظم از این نه، چه که این اس اساس است. و فصل خطاب<sup>۱۵</sup>... مقصود از

گفتار عبدالبهاء این است که اگر بخواهیم بابت و بهائیت را بشناسیم باید کتابها و نوشته های همین

طایفه را مطالعه کنیم.

3- میرزا محمد افشار از مبلغان این فرقه مینویسد: تفصیل نیریز را هر که بخواهد باید در کتب تاریخیه

خود این طایفه مطالعه نماید... تفصیل زنجان را هم باید در کتب تاریخیه این طایفه دید و مطلع شد<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۱</sup> تفصیل این مطلب در صفحات بعد خواهد آمد.

<sup>۱۲</sup> دکتر اسلمنت مولف کتاب «بهاء الله و عصر جدید» که از آقای عباس و شوقی افندی مورد تشویق قرار گرفته است (صفحات 142-155-248-249 کتاب

گوهر یکتا نوشته خانم شوقی افندی)

<sup>۱۳</sup> لجنه: گروهی از مردم که برای رسیدگی به امری گرد آمده باشند (فرهنگ عمید)

<sup>۱۴</sup> صفحه 377-378 بیان حقایق.

<sup>۱۵</sup> صفحه 170 مقاله شخصی سیاح.

<sup>۱۶</sup> صفحه 164 کتاب بحرالعرفان (اشاره به آشوب با بیان در نیریز و زنجان و سرکوبی آنان توسط سربازان دولتی).

بنا به گفتار فوق مطالبی که از کتابهای مذکور<sup>۱۷</sup> نقل میشود هر یک از بهائیان نپذیرند در حقیقت رهبران خود را انکار کرده بنابراین بهائی نیستند بدیهی است رهبران و نویسندگان این حزب سخنان بزرگان، اخبار و احادیث و حتی آیات قران را به نفع خود تحریف و یا به غلط معنی کرده اما از آنجا که حق همیشه پیروز است در نوشته هایشان دسته گلهایی به آب داده اند که جهت شناخت ایشان تا حدودی ما را از مراجعه به دیگر کتب بی نیاز میسازد، مقصود از اتخاذ این روش آن است :

1- بهائیت به گفتار متناقض و دروغ پیشوایان خود پی ببرد.

2- حق سفسطه و انکار نداشته و مجبور به پذیرفتن آنها باشد .

3- افرادی که دسترسی به کتب این فرقه ندارند بیشتر به ماهیت بهائیت پی ببرند .

4- صاحبان خرد و انصاف حدیث مفصل از این مجمل درباره مسلک باب و بهاء بخوانند و بدانند در قاموس بهائیت کلمه فریبنده تحری حقیقت فقط بدان معنی است که کتابهای خودشان را بپذیرند.

<sup>۱۷</sup> منابع و ماخذ در نگارش جزوه حاضر همان کتابها است جز چند مورد که آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از پیشوایان اسلام به مناسبت نقل شده است .

## «عقاید نویسندگان و مبلغان بهائی درباره خدایی میرزا حسینعلی»

بنا بدلایلی که از کتب بهائیان نقل میگردد مسلم میشود هر کسی خود را از این فرقه بداند کورکورانه بها را خداوند عالمیان دانسته و به ربوبیت والوهیت او صحنه گذاشته است در صفحات پیش کتابهای مورد قبول بهائیان را معرفی نمودیم تا آنچه از آن نوشته ها نقل میشود از طرف بهائیان مجالی برای انکارش باقی نماند و هر کس عقلاً، خدایی انسانی ضعیف و ناقص گو<sup>۱۸</sup> را نمیتواند بپذیرد خود را به این فرقه منتسب ندانسته و از بندگان بهاء به حساب نیاورد. یکی از بهائیان عقیده خود را نسبت به آقای میرزا حسینعلی چنین ابراز میدارد و مینویسد: توی اتوبوس از مسافرین میپرسیدم که کجا بایستی پیاده شوم چون آشنایی قبلی نداشتم از آنجا که حضرت بهاء الله جل اسمه الا علی همیشه حامی و موید بندگانش است براحتی میتوانستم ایشان را ملاقات کنم<sup>۱۹</sup> فهرست آنچه که در این مبحث میخوانیم عبارتند از :

1. ورقا خدا را در خواب دید
2. خدا ظاهر شده است
3. صاحب کتاب ایقان میتواند خدا باشد
4. میراندن و زنده کردن بدست میرزا حسینعلی

<sup>۱۸</sup> از مطالب صفحه 24 اشراقات معلوم میگردد بهاء مدعی نسخ بیان است اما در صفحه 45 و 46 و 103 اقتدارات مینویسد کسی که بگوید کتاب بیان نوشته میرزا علی محمد باب نسخ شده ظالم است و میخواهد سبب اختلاف شود.

5. جان دادن به فرمان بهاء است
6. بهاء میتواند به انسان مرگ بدهد.
7. تولد بهاء خالق کائنات.
8. بهاء حضرت کردگار است.
9. در هنگام سختی باید به بهاء پناه برد.
10. فاضل شیرازی از دست خدا کتاب گرفت .
11. بهائیان خدای... نمیخواهند.
12. پیغمبران و کتابهای آسمانی فرستادگان(خدا) بهاء هستند.
13. سجده در مقابل بهاء.
14. میرزا حسینعلی به راز دلها آگاه است.

## «ورقاء خدا را در خواب دید»

آنچه که در ذیل میخوانید شرح مقالات میرزا علی محمد ملقب به (ورقاء) فرزند ملا مهدی یزدی از جمله مبلغان این فرقه با میرزا حسینعلی است: ورقا به اتفاق پدر و برادر عازم ساحت اقدس (عکا) شد. والدش حاج ملا مهدی در بیروت مریض شد و در مزرعه (قریه ای در لبنان) وفات کرد و ورقاء با برادرش روانه عکا گردید. در اولین دفعه ای که به حضور جمال اقدس ابهی<sup>۲۰</sup> جل کبریائه بار یافت و دیده اش به جمال مبین روشن شد هیکل انور به نظرش آشنا آمد و یقین کرد که قبلاً هیکل اکرم را زیارت کرده اما در کجا و چه موقع ابن تشریف برایش حاصل شده معلومش نگردید و چند نوبت که شرف مشول یافت در آن مسئله حیران بود تا آنکه روزی هنگام تشریف به او خطاب فرمودند که ورقا، اصنام اوهام را بسوزان، جناب ورقا از این بیان مبارک دفعه به یاد آورد که هنگام طفولیت شبی در خواب دید که در باغچه منزل مشغول عروسک بازی است و در بین بازی خدا آمد و عروسکها را از دستش گرفت و در آتش افکند و او فوراً بیدار شد و صبح به پدر و مادر گفت که من دیشب خدا را در خواب دیدم والدین به او پرخاش کردند که این چه حرفی است مگر خدا را میتوان دید که تو او را دیده باشی و این رویا به مرور زمان از خاطرش محو شده بود تا موقعیکه جمال مبارک نام سوزاندن اوهام اصنام را بردند جناب ورقا به حکم تداعی معانی سوختن عروسک به یادش آمد و تعبیر خود را در عالم مشهود دید<sup>۲۱</sup> شرحی به این مطلب که در یکی از

<sup>۲۰</sup> القابی که به آقای میرزا حسینعلی داده اند عبارتست از: جمال مبارک، جمال قدم، بهاء الله، جمال اقدس ابهی، اسم اعظم، (صفحه 510 جلد اول کواکب الدریه و القاب دیگری چون درویش محمد که در جای خود ذکر خواهد شد.

<sup>۲۱</sup> صفحه 158 مصابیح هدایت جلد اول.

کتابهای بهائیان با اجازه محفل چاپ شده و بنا بر آنچه ذکر شد مورد قبول پیروان آقای میرزا حسینعلی است اضافه نمی کنیم و تنها قضاوت را به عهده شما خواننده ارجمند میگذاریم .

## «خدا ظاهر شده است»

دختر آقای میرزا حسینعلی ملقب به (ورقه علیا) از عزیز الله فرزند ورقای سابق الذکر پرسید در ایران چه میکردید؟ برادرش روح الله جواب داد تبلیغ می کردیم فرمودند وقتیکه تبلیغ میکردید چه میگفتید عرض کرد می گفتیم خدا ظاهر شده است خانم لب را بدندان گزیده گفتند شما به مردم می گفتید خدا ظاهر شده ؟ عرض کرد ما به همه کس نمی گفتیم باشخاصی میگفتیم که استعداد شنیدن این کلمه را داشته باشند فرمودند این قبیل اشخاص راچطور می شناختید ؟ عرض کرد به چشم اشخاص که نگاه می کردیم ملتفت می شدیم که میشود چنین حرفی زد یا نه خانم خندیدند و فرمودند بیا به چشم من نگاه کن ببین میتوانی این کلمه را به من بگویی روح الله برخاست و پیش آمده دو زانو روبروی حضرت خانم نشست و مدتی به چشمانشان نگاه کرد و گفت شما خودتان تصدیق دارید <sup>۲۲</sup> توجه فرمائید دختر بهاء از گفتار مبلغ کاسه گرمتر از آتش و بت پرستی مانند روح الله در شگفت می ماند و بعد که درمی یابد افرادی مانند روح الله عقلشان را از دست داده و اسیر نادانی و غفلت و پول شدند می خندد . چرا خانم با داشتن مبلغانی نظیر ورقا و پسرش نخندد ؟ خنده به طرز فکر و خیال باطل و جهل آنها و پیروزی نقشه های

<sup>۲۲</sup> صفحه 167 مصابیح هدایت جلد اول و صفحه 50 کتاب یازدهم درس اخلاق.

استعمارگران . مطلب دیگری که میتوان دریافت اینست که چون ورقه علیا روح الله را از گفتن سخنان مزبور منع نکرد بنا بر این یا به خدائی پدر معترف بوده و یا حقیقه آنکه میخواستند او را در جهل مرکب نگهداشته تا سبب شود جاهلانی را بدور خود جمع نموده و دستگاه خدائی و دین سازی خاندان میرزا حسینعلی رونق بیشتری داشته باشد و گر نه مسلم است خدا را نمی توان دید . چون پروردگار متعال جسم نیست که قابل روئیت باشد . « لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر » او را هیچ چشمی درک ننماید و حال آنکه بینندگان را مشاهده میکند و او لطیف و نامرئی و بهمه چیز خلق آگاه است (آیه 103 سوره انعام) به بینندگان آفریننده را نبینی مرغان دو بیننده را

### «نویسنده کتاب ایقان میتواند خدا باشد»

آقای میرزا حسینعلی زمانیکه در بغداد بحالت تبعید بسر میبرد در سال 1278 هجری قمری برابر با 1862م<sup>۲۳</sup> کتابی در اثبات ادعای میرزا علی محمد شیرازی که خود را اول از پیروان او میدانست نوشت این کتاب معروف به رساله خالویه بود و بعد به اسم ایقان نامیده شد . بها با ذکر مطالب خلاف واقع و یک سلسله تحریفات در آیات و احادیث در این مجموعه هدف انتقادات دانشمندان و افراد محقق و متدین

<sup>۲۳</sup> صفحه 12 گنج شایگان و صفحه 266 اسرار الاثار جلد اول و ....

قرار گرفته است اما آنانکه چشم و گوش بسته تسلیم عقاید مورد بحث شده اند ایقان را وحی دانسته و اعتراف کرده اند صاحب این کتاب می تواند ادعای خدائی کند .

یکی از بهائیان میگوید :.....کتاب مبارک ایقان را فرستاد.....کتاب را باز نمود و فرمود تا حال کتاب بخوبی و تمامی و فصیحی این کتاب نوشته نشده است انبیاء و حکماء و علما کل عاجزند از آوردن یک سطر و یک مطلبش و صاحب این کتاب ولو ادعای خدائی کند حقش است و ثابت میفرماید و کل باید تصدیق نمایند<sup>۲۴</sup> از پیغمبری و خدائی و دریای بیکران علم آقای میرزا حسینعلی همین بس است که قدرت تشخیص و تمیز صحت و سقم اخبار و احادیث را نداشته و در ایقان بعضی از آیات قرآن را تحریف نموده و خود را بنده بیسواد معرفی کرده او می نویسد : این بی علم فانی ( بها ) که دعوی اینگونه علوم ننموده و بلکه کون این علوم و فقدان آن را علت علم و جهل نمیدانم<sup>۲۵</sup> شخصی ضمن مباحثه با عباس علوی خراسانی که از مبلغان بزرگ بهائی بوده کتاب ایقان را به علوی خراسانی نشان میدهد و میگوید میرزا حسینعلی حدیث زوراء را تحریف کرده<sup>۲۶</sup> و بجای ( ثمانین الفاً ) کلمه ( ثمانین رجلاً ) را نقل نموده است علوی مبلغ پس از مغالطه و بافتن سخنان بی ربط میگوید : در نسخه ای که حضرت بهاء الله از رویش

<sup>۲۴</sup> صفحه 198 بهجة الصدور.

<sup>۲۵</sup> صفحه 147-146 ایقان.

<sup>۲۶</sup> حقیقت این است میرزا حسینعلی احادیث زیادی از جمله لوح فاطمه و حدیث مفضل و غیره را تقطیع و تحریف نموده و با تغییر حدیث زوراء به خیال خود میخواست به اصطلاح حقانیت علی محمد باب را اثبات کند . در اصل حدیث آمده در زوراء ( شهر ری ) هشتاد هزار نفر کشته میشوند بهاء که میدانست 80 هزار بایی در ری کشته نشده اند . بنابر این برای بهره برداری و سوء استفاده بجای ( ثمانین الفاً = 80 هزار ) که در تمام نسخ خطی و چاپی روضه کافی موجود است ، جناب میرزا حسینعلی بدخواه کلمه ( ثمانین رجلاً = 80 نفر ) را ذکر کرده است همچنین میرزا حسینعلی آیه شریفه ( هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام 210 بقره ) را در صفحه 47 ایقان ( 157 صفحه ای ) تحریف نموده اما در چاپهای بعدی باران میزا بهاء آنرا اصلاح کرده اند . نیک اندیشان و حقیقت جویان بهائیان بیدار دل میتوانند ایقان خطی و ایقان 157 صفحه ای را با چاپهای بعدی آن مقایسه نمایند تا کلیه تغییرات و اختلافات این کتاب که بهائیان مندرجاتش را وحی و در ردیف قرآن میدانند ملاحظه فرمایند.

حدیث را نقل فرموده اند ثمانین رجلا بوده است<sup>۲۷</sup> بنا بر این معلوم میشود ایقان رونویسی از کتابهای دیگران است نه وحی و صاحبش نمیتواند ادعای خدائی کند آیا تسلیم کورکورانه در برابر ادعاهای میرزا حسینعلی تعصب جاهلانه نیست؟ برای مزید اطلاع گفته میشود ابوالفضل گلپایگانی در صفحه 27 و چند جای دیگر کتاب فرائد . ایقان را در ردیف قرآن و وحی دانسته و در صفحات 28-29 نوشته های میرزا علی محمد باب را برتر از قرآن شمرده است !!!

### «میراندن و زنده کردن بدست میرزا حسینعلی است»

حسینقلی میرزا (یکی از بهائیان) بیمار شد و در آن موقع از بهاء مهلت خواست تا کارهایش را با تمام برساند پس از آن بنا به گفته خدا باید هر 19 سال یک بار وسایل زندگی را فروخت و اثاثیه نو بجای آنها خریداری کرد اقدام به فروش اسباب خانه خود نمود. بلی میرزا حسینعلی که بهائیان او را خدا میدانند به یارانش دستور داده است 19 سال یکبار اثاث البیت را تجدید کنند<sup>۲۸</sup>..... باری این شاهزاده آزاده ( حسینعلی میرزا) بهمین روش مادام الحیات به خدمت احباب و هدایت نفوس قیام داشت تا آنکه در اواخر سال 1312 یا اوایل سال 1313 هجری قمری بسکته ناقص مبتلا شده بستری گردید چون مرض سخت و خطرناک بود روزی بعضی از فرزندان او از پشت در اتاق شنیدند که جناب حسینقلی میرزا بصدای بلند به بارگاه جمال قدم (میرزا حسینعلی) می نالد و با حال تضرع عرض میکند که ای جمال

<sup>۲۷</sup> صفحه 232-233 مصابیح هدایت جلد 6.

مبارک تو میدانی که من بعضی کارهای نا تمام دارم اگر ممکن است سه ماه بمن مهلت بده تا امور خود را انجام دهم بعد مرا از این عالم ببر..... و بعد از بهبود روزی مقداری از اسباب خانه را از قییل فرش و ظرف و غیره جمع کرد و به بازار برد اعضای عائله سوال کردند که قصدت از این کار چیست جواب داد میخوام بفروشم گفتند چرا ؟ گفت چون حکم خدا است هر 19 سال یکبار اثاث البیت تجدید شود ....»<sup>۲۹</sup>

به عقیده بهائیان از جمله نامبرده کسی که میتواند انسان را زنده نگهدارد و یا مرگ دهد آقای میرزا حسینعلی است که در سال 1309 هجری قمری در گذشت .

### « جان دادن به فرمان مبارک است »

« جناب ملا علی شهید یادش بخیر ... به خاطر دارم شبی به پدرم می گفت جناب ملا عباس اگر مرا بردند شهید کنند من تا جمال مبارک ( بهاء ) امر نفرماید جان نخواهم داد چه دنیایی داشت دیری نپائید روزی پدرم را دیدم کتاب ایقان میخواند و اشک می ریخت موضوع را پرسیدم گفت او را همانطور که خواسته بود کشتند و بی شک او بفرمان جمال مبارک جان سپرده است<sup>۳۰</sup> . »

<sup>۲۸</sup> صفحه 153 گنجینه حدود و احکام.

<sup>۲۹</sup> صفحه 529-528 مصابیح هدایت جلد دوم.

<sup>۳۰</sup> صفحه 199 مجله آهنگ بدیع شماره 7-8 سال 25 که بهائیان آنرا منتشر میکنند.

آیا هیچ یک از بهائیان در برابر این ادعا ها از مبلغان خود توضیح خواسته اند؟ آیا تا کنون از محفل روحانی که این مجلات را از تهران دریافت می کند و در اختیار اغنام<sup>۳۱</sup> میگذارد تقاضا کرده اند مقصود از نوشتن آن همه اباطیل را شرح دهد؟ مگر میشود میراندن و زنده کردن را جز به فرمان دارنده جهان و راننده چرخ و زمان خداوند حی توانا دانست که خود را چنین معرفی می نماید: « قل الله یحییکم ثم یمیتکم ثم یجمعکم الی یوم القیامه لا ریب فیه » - آیه 26 سوره جاثیه - ای رسول در جواب آنها بگو خدا بمیراند و باز زنده کند سپس تمام شما را جمع گرداند برای روز قیامت که آن روز بی شک و غیب بیاید، آیا جان دادن به فرمان کسی است که به سفارت روس پناه می برده و آیا جان دادن بدستور موجودی است که امانت سفیر روس بوده است<sup>۳۲</sup> وقتی عده ای از مردم زحمتکش ایران حتی معدودی از روستا نشینان که تحت تاثیر تبلیغات سوء ریاست طلبان قرار گرفته و یا ندانسته در این راه قدم گذاشته اند مبالغی از درآمد خود را به محفل و به اصطلاح بیت العدل بهائیان تقدیم میدارند و افرادی که محتاج تر از هر کس دیگر برای مصرف دسترنجشان می باشند پولهایی به عناوین مختلف مهاجرت برای خوشگذرانی می پردازند مسلماً سود جویانی پیدا خواهند شد تا از این موقعیت بهره ها ببرند.

<sup>۳۱</sup> اغنام جمع غنم یعنی گوسفند - با عرض معذرت به اطلاع آقایان بهائیان میرسانم از نوشتن کلمه اغنام قصد جسارت نداشته ام شخص میرزا حسینعلی یارانش را اغنام خطاب میکرد و در صفحه 380 کتاب «مجموعه الواح» مخالفان را گریگ اغنام نامیده است.

<sup>۳۲</sup> صفحه 319 قرن بدیع جلد اول بیشتر کتابهای بهائیان به این موضوع اشاره کرده اند در یکی از شماره های آینده مشروحا در این باره بحث خواهد شد که آقای بهاء با پشتیبانی سفارت روس به اعمالی دست میزند و در پناه این مصونیت از چنگال حکومت وقت فرار میکند.

## « بهاء میتواند به انسان مرگ و زندگی عطا کند »

بدون اینکه توضیحی بر مطلب ذیل داده شود عین نوشته قسمتی از یک کتاب بهائیان در اینجا نقل میشود :

« ... آخوندی در تهران بود معروف به شیخ صلواتی همه روزه بعد از ظهر که از امور خویش فراغتی داشت بدکان متوجه (سید حسن متوجه یکی از بهائیان) میامد و به حسب ظاهر سلام و تعارف می نمود ...

قریب یک ساعت .... لعن می نمود و با این کار دنیا را در نظر متوجه تاریک و قلب او را پر خون میکرد روزی در این زمینه بقدری هرزگی نمود و حرفهای قبیح بر زبان راند که حال متوجه از هر روز بدتر شد و بعد از آنکه دکان را بست به خانه رفت .... گریه کنان از جمال مبارک خواستار شد که یا خود او را مرگ بدهد و یا بطریق دیگر از آن عذاب خلاصش کند...»<sup>۳۳</sup>

## «سال تولد خدائیکه خالق کائنات است»

چوپانی بنام محمد زرندی معروف به نبیل<sup>۳۴</sup> افسانه هایی جمع آوری کرده که مقداری از آن بنام تلخیص تاریخ نبیل در دسترس بهائیت است این کتاب با نظر موافقت آقای میرزا حسینعلی نوشته شده و از معتبرترین تاریخ بهائی بشمار می آید مندرجات تاریخ مذکور شامل تناقضات و دروغها و اهانت ها به بزرگان اسلامی است محمد زرندی با وجود اینکه ادعا کرده سواد و معلوماتی ندارم همه مجتهدین را دروغگو

<sup>۳۳</sup> صفحات 47-48 مصابیح هدایت جلد ششم .

<sup>۳۴</sup> کلمه محمد و نبیل هر یک به حساب ابجد 92 میشود لذا محمد زرندی را نبیل لقب داده اند و نبیل در صفحه 458 تاریخش مینویسد چوپان بودم و مختصر سواد داشتم و بیشتر نمیتوانستم درس بخوانم.

دانسته است او مینویسد : « پای منبر مجتهدین که از نجف وارد می شدند می نشستیم و به مجلس درس آنها می رفتم و به سخنان آنها و مجادلاتشان گوش میدادم و به تدریج فهمیدم که هر چه میگویند دروغ می گویند<sup>۳۵</sup> نبیل اشعاری در تولد و عظمت میرزا حسینعلی سروده ودر یک ربائی تاریخ تولد میرزا حسینعلی را چنین ذکر کرده است :

دوم سحر محرم اندر تهران

در اول غربال ز سال فرقان

شاهی که بود خالق من فی الامکان<sup>۳۶</sup>

از غیب قدم بملک امکان بگذاشت

غربال به حساب ابجد 1233 می شود و مقصود از سال فرقان سنه هجری قمری است درباره اشعار فوق دقت فرمایید تا بهتر بتوانید این فرقه را بشناسید .

<sup>۳۵</sup> صفحه 459 تاریخ نبیل.

<sup>۳۶</sup> صفحه 403 گنجینه حدود و احکام و صفحه 10 کتاب « بهاء الله » تألیف فیضی و جلد سوم تذکره شعرای بهائی مبحث شرح حال نبیل.

## «بهاء حضرت کردگار است»

عباس علوی (مبلغ بهائی) تهران را بنام موطن حضرت کردگار توصیف کرده است میگوید به قصر شیرین حرکت نموده مهمان حکومت که یکی از احباب (بهائیان) بود شدیم بعد به کرمانشاه ... و از آنجا به موطن حضرت کردگار رهسپار شدیم<sup>۳۷</sup>

خواننده گرامی اکنون که توجه نمودید آقای میرزا حسینعلی در نظر بهائیان حضرت کردگار است باید اضافه نمائیم همانطور که می گوئیم خداوند جل جلاله فرمود نویسندگان بهائی برای میرزا بهاء می گویند: جمال قدم جل جلاله، جل ذکره، جل کبریائه، قوله تعاله، حق تعالی وعزوجل<sup>۳۸</sup> اگر تعجب ننمائید باید بگوئیم آقای بهاء مدعی است همه را از خاک آفریده و میگوید: «خلقناکم من تراب واحد»<sup>۳۹</sup> و دستور میدهد در وقت عبادت پیروانش رو به قبر او بایستند و ادعا کرده خدائی جز من نیست<sup>۴۰</sup> اما مسلمانان به هنگام عبادت دلهایشان متوجه خدائی است که دیده نمیشود برتر از خیال و وهم و قیاس است و همیشه و در همه جا با انسان است «سبحان ربك العزة عما يصفون آیه 180 سوره صفات» و «هو معكم اینما کنتم» آیه 4 سوره حدید.

<sup>۳۷</sup> صفحه 263 مصابیح هدایت جلد ششم.

<sup>۳۸</sup> صفحه 203 و 298 قاموس ایقان جلد اول و صفحه 158 مصابیح جلد اول و صفحه 377 بیان حقایق و.....

<sup>۳۹</sup> صفحه 160 کتاب حیات بهائی و صفحه 31 مجموعه الراج.

<sup>۴۰</sup> شرح ادعاهای او به تفصیل خواهد آمد.

## «در هنگام سختی به میرزا حسینعلی پناه بپزید»

یکی از بهائیان بنام ملا بهرام اختر خاوری در عباس آباد حوالی پیشکوه یزد ... گرفتار میشود ملا بهرام و سایرین که دیدند راه گریز مسدود است تن به قضا دادند و پناه به جمال قدم (بهاء الله) بردند<sup>۴۱</sup> ملا بهرام در روستای یزد به کسی پناه برد که سالها قبل از آن در عکا مرده . بنابر این ملای زردشتی الاصل، میرزا حسینعلی را پناه دهنده و نجات دهنده و خدا میدانسته اما موحدان و یکتا پرستان را عقیده بر این است باید به خدائی پناه برد که همیشه زنده است و چرت و خواب هم او را فرا نمیگیرد «الله لا اله الا هو حی القيوم لا تاخذه سنه ولا نوم ... آیه 255 سوره بقره» در یکی از شهرها مریضی نزد میرزا عبدالمجید بهائی میاورند او را معالجه کند میرزا عبدالمجید از تشخیص مرض عاجز گشته از اتاق بیرون رفت و در فضای خانه روی دل را بشطر اقدس<sup>۴۲</sup> توجه داده از جمال قدم تائید طلبید<sup>۴۳</sup> شیعه میگوید: «تنها باید سر تعظیم به قصد عبودیت به آن آفریدگار پاک فرود آورده شود و سجده یعنی پیشانی را بر زمین سائیدن بقصد بندگی در مذهب شیعه مخصوص به خدا و برای غیر خدا سجده جایز نیست بلکه کفر و شرک است (صفحه 62 شیعه چه میگوید) درخواست ما فقط از خداوند جهان است و دعاهای ما در حرم پیامبر گرامی و ائمه بدان معنی است که آنان را واسطه و شفیع قرار میدهیم حتی برای ورود به حرم شریفشان از خداوند متعال اذن و اجازه می طلبیم ادخل یا الله ... و اگر کلیه دعاها و زیارت نامه ها را مطالعه کنیم در

<sup>۴۱</sup> صفحه 420 مصابیح هدایت جلد چهارم.

<sup>۴۲</sup> مقصود عکا است صفحه 169 جلد اول و صفحه 198 جلد چهارم اسرار الاثرار.

<sup>۴۳</sup> صفحه 44 مصابیح هدایت جلد 5.»

می یابیم « در هیچ کجا استقلالی برای خاندان رسالت ذکر نشده است بلکه در همه جا آنها را واسطه خوانده اند (صفحه 231 شبهای پیشاور) شفاعت نیز به اذن آن ذات یکتا است و که را این جرات است که در پیشگاه او بشفاعت برخیزد. « من ذاالذی یشفع عنده الا باذنه...» آیه 255 سوره بقره.

اینک به نگاشتن جملاتی که پس از زیارت حضرت حسین علیه اسلام خوانده میشود میپردازیم تا بیشتر به عقیده شیعیان پی ببریم

« اللهم انی صلیت و رکعت و سجدت لک وحدک لا شریک لک لان الصلوۃ و الركوع و السجود لا یكون الا لک لانک انت الله لا اله الا انت » خدایا من تنها برای تو که شریک نداری نماز میگذارم و رکوع و سجود جز برای تو و بخاطر صحیح نیست زیرا تویی آن خدایی که جز تو خدایی نیست (صفحه 66 شیعه چه میگوید).

حال که آقای میرزا حسینعلی شیعیان را مشرک قلمداد کرده<sup>۴۴</sup> باید بگوئیم بهائیان عقاید خود را بررسی و نظر شیعه را مطالعه نمایند و بعد از آن قضاوت کنند چه کسانی مشرکند بدیهی است می گویند افرادی مشرکند که انسانی ناتوان را پرستش می کنند. « لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا یبصرون ولهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل » ترجمه:

آنها را دل‌هائست بی ادراک و معرفت و دیده هایی بی نور بصیرت و گوشها یی نا شنوای حقیقت آنها مانند چهار پایانند بلکه بسی گمراه ترند آیه 179 سوره اعراف .

<sup>۴۴</sup> صفحه 595 ریح مختوم جلد اول.

## «فاضل شیرازی از دست خدا (... ) کتاب گرفت»

خواننده محترم را به تفکر و تعمق در این مطالب دعوت می کنیم و می پرسیم آیا استعمارگران که از وحدت اسلامی ترس داشته اند و اتحاد و اتفاق مسلمانان پشت آنان را به لرزه در آورده بود با علم کردن حزب باییت و بهائیت هدفی جز تضعیف نیروی این همبستگی و روح تعاون و همکاری بین مسلمانان داشتند؟ یکی از بهائیان بنام فاضل شیرازی در خراسان در عالم رویا دید که در ملازمت حضرت رضا علیه السلام به عرش رفت و در آنجا مشاهده کرد که سه بزرگوار حضور دارند یکی در وسط و دوتا در طرفین... در همانجا دریافت آنکه در وسط است خدای یگانه عالم آفرینش است و آنانکه یمین و یسارش میباشند دو تن از مقربان حضرتند و در همان موقع از جانب خدا کتابی توسط یکی از آن دو بفاضل داده شد که آن را تصحیح کند ... مدتی میگذرد و فاضل به عکا می رود و در آنجا... از خم و پیچ کوچه ای که میرفت از پشت سر چشمش به آن جماعت افتاده از قضا هیکل مبارک ( آقای عباس افندی فرزند میرزا حسینعلی بهاء ) را شناخت زیرا دید عین یکی از آن دو وجود مقدسی است که آنان را موقع رویای خراسان در حضور خدا در عرش زیارت کرده است لکن از شرط ادب دور ندانست که از پشت سر خود را به حضور برساند<sup>۴۵</sup> جز اینست که بگوئیم با این عقیده حتما بهائیان مشرکند دیگر آنکه فاضل شیرازی در گوچه های عکا عباس افندی را که در حضور خدا در خواب دیده بود از پشت سر شناخت

چون عباس مقرب درگاه پدر بوده بنا بر این مقصود فاضل از دیدن خدا کسی غیر از میرزا حسینعلی نیست حال که بر خواننده محترم ثابت شد بهائیان بهاء پرستند نه خدا پرست بذکر چند جمله از سخنان حضرت علی علیه السلام می پردازیم . آن حضرت در یکی از خطبه های خود میفرماید : « الحمد لله المعروف من غیر رویه و الخالق من غیر رویه الذی لم یزل قائماً دائماً...سپاس خداوندی را سزااست که بدون دیده شدن به چشم شناخته شده است و بدون فکر و اندیشه ایجاد کننده است خداوندی که باقی و برقرار است و همیشه بوده ...» صفحه 224 و 225 نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام .

امام صادق علیه السلام فرمود : جاء حبر الی امیر المومنین صلوات الله علیه فقال یا امیر المومنین هل رایت ربک حین عبدته؟ قال : فقال ویلک ما کنت اعبد ربا لم اره قال: و کیف رایته قال : ویلک لا تدرکه العیون فی مشاهدۃ الابصار و لکن راته القلوب بحقائق الایمان . عالمی خدمت امیرالمومنین علیه السلام رسید و گفت ای امیر مومنان : پروردگارت را هنگام پرستش او دیده ای فرمود وای بر تو باد من آن نیستم که پروردگاری را که ندیده ام بپرستم عرض کرد چگونه او را دیده ای؟ فرمود : وای بر تو دیدگان هنگام نظر افکندن او را درک نکنند ولی دلها با حقائق ایمان او را دیده اند(صفحه 131 اصول کافی جلد اول چاپ اسلامیة حدیث شماره 259)

## «بهائیان خدای ... نمیخواهند»

آقای میرزا حسینعلی تراشیدن موی سر را جایز ندانسته و دستور داده موی سر از حد گوشها تجاوز نکند<sup>۴۶</sup> عکسهایی که از جناب بهاء در دست است نشان میدهد ریش آقا بلند و خرمی از موی بر روی شانه آن بزرگوار ریخته است<sup>۴۷</sup> این هم نمونه ای از دستورات بهاء که فقط برای اغنام صادر نموده و شخصا اجرا نمی کرده است. برای اینکه مو یا پشمهای صورت سهمی از خدایی (بهاء) برده باشد به یاران سفارش نموده است در موقع دعا این جمله را تلاوت کنید . اللهم انی اسئلك بشعراتک التی یتحرک علی صفحات الوجه<sup>۴۸</sup> « بگوئید خدایا قسم میدهم تورا به موهائی که بر صورتت می جنبد » بهائیان در برابر این ایراد نظیر صدها سوال و اشکال جوابی ندارند جز اینکه مانند سید مهدی گلپایگانی که بهائیت به بزرگی و عظمت او افتخار و قلم فرسائی کرده در برابر این پرسش غافلگیر شود و با پاسخ خود دانش و فضلش را به مردم بنمایاند اینک شرح مباحثه سید مهدی گلپایگانی بهائی بایکی از معترضین... « آخوندها اعتراض می کنند درباره اللهم انی اسئلك بشعراتک ... سید مهدی میگوید خدائی که دست دارد و چشم دارد مگر نباید مو داشته باشد و شما میدانید اگر خدا با داشتن سایر اعضاء سرش بی مو باشد البته کچل خواهد بود و ما بهائیان به خدای کچل اعتقاد نداریم<sup>۴۹</sup> از گفتار سید مهدی چنین استنباط میشود خداوند جسم است و ریش هم باید داشته باشد در صورتیکه مبلغان بی جهت خود را به زحمت انداخته و دست و پا میکنند به

<sup>۴۶</sup> صفحه 313 گنجینه حدود و احکام.

<sup>۴۷</sup> در صفحه 240 کتاب بهاء الله تالیف فیضی به افشان بودن گیسوان و محاسن میرزا حسینعلی اشاره شده است .

<sup>۴۸</sup> کتاب ادعیه محبوب صفحه 123.

نحوی بهاء را تبرئه نمایند غافل از اینکه آقای میرزا حسینعلی این جمله را در شان خود گفته بدیهی است خدای جهان جسم نسیت و جا و مکان معینی نداشته همه جا هست علمش بر همه چیز و هر جا احاطه دارد گوش و دست و پا و ریش ندارد دست او اشاره به قدرت و توانایی آن ذات مقدس و شنیدن و دیدن ایزد تعالی همان علم پروردگار بر تمام مخلوقات و کائنات است.

« فتبارک الله الذی لا یبلغه بعد الهمم و لا یناله حدس الفطن الاول الذی لاغایة له فینتهی ولا اخر له فینقضی » ص 278 نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام .

با ذکر این مطالب مسلم است بهائیان یا لااقل آنان که به گفته های رهبران و نویسندگان بهائی ایمان دارند مشرکند و جایشان در آتش خواهد بود «انه من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة و ماویه النار وما للظالمین من انصار - هر کس به او شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران عالم را هیچ کس یاری نخواهد کرد آیه 72 سوره مائده». دانستیم خدای ریش دار جناب میرزا بهاء هستند ضمنا لازم است بهائیان در چاپهای بعدی کتاب مصابیح گفته گلیپایگانی را « که اشخاص ناشناس تصور می کردند فکرش مغشوش بوده<sup>۵۰</sup> بدین طریق اصلاح کنند و بنویسند اگر صورت خدا بی مو باشد کوسه خواهد بود و ما بهائیان به خدای بی ریش اعتقاد نداریم !!!

<sup>۴۹</sup> صفحه 26 و 27 مصابیح هدایت جلد سوم .  
<sup>۵۰</sup> صفحه 18 مصابیح هدایت جلد سوم بهائیان در چاپ دوم این کتاب جمله مذکور را حذف کردند.

## «پیغمبران و کتابهای آسمانی فرستادگان خدای خدایان یعنی بهاء هستند»

میرزا حیدر علی اصفهانی ظاهراً از بهائیان دو آتشه و طرفدار پرو پا قرص میرزا حسینعلی و عباس عبدالبهاء و از مبلغان طراز اول این طایفه عقیده خود را در کتابی بنام بهجة الصدور نوشته و از قول بهاء الله یاد آور شده هر چه میگوئیم و می نویسیم تفسیری ندارد و فقط مقصود معنای ظاهری کلمات است ... مینویسد : فانی (میرزا حیدر علی ) و این نفوس (بهائیان) موقنینم که حضرت بهاء الله آسمانی است که از آفاقش شمس انبیا و مرسلین اشراق نموده مرسل رسل و منزل کتب رب الارباب و سلطان مبدا و مآب است و بقدر یک صندوق نوشتجات و صحف و الوح و آیات از حضرت احدیتش موجود و منتشر است و جمیع را کتب آسمانی و صحف ربانی و تورات صمدانی و انجیل رحمانی و قرآن یزدانی و بیان جلیل واجب الاتباع می دانیم و در همه بیانات مبارکش صریح است که آیاتش تاویل و باطن ندارد و ظاهرش مقصود و

مامور...<sup>۵۱</sup>

از بهائیان میپرسیم یک صندوق کتاب نوشته های بهاء کجاست و در دست چه کسی می باشد؟ جواب میدهند مگر نمی دانید وظیفه بهائیان فقط این است ادعاهای میرزا بهاء و عباس افندی و شوقی را بپذیرند تا راه برای سوء استفاده عده ای شناخته شده هموار گردد. وای بر آن مردمی که بدروغ مدعی شوند رهبرشان یک صندوق کتاب نوشته است !! اگر مکررات نوشته های بهاء را حذف کنیم چیزی جز شرح

<sup>۵۱</sup> صفحه 399 بهجة الصدور.

ادعاها (خدا آفرینی تا فانی و عبد و ذلیل بودن) و... باقی نمی ماند راستی محتویات آن کتابها چیست؟  
شهر فرنگ و از همه رنگ..... باید خواند و پی برد.

نویسندگان بهائی و شوقی افندی نوشته اند بدستور میرزا حسینعلی بسیاری از نوشته هایش در شط ریخته  
میشد<sup>۵۲</sup> چرا؟

جناب خدا (بهاء)! که مرسل رسل و منزل کتب بود! و از هزاران سطر کمتر از یک دهم آن را انتخاب  
می کرد پس از مطالعه نوشته هایش می دید برای حفظ آبروی نویسنده باید در شط بریزد. میپرسیم  
برای چه میرزا حسینعلی تحریرات خود را در آب می ریخت؟ می گویند مردم لیاقت شنیدن آن را  
نداشتند یعنی آقای بهاء کار بیهوده ای انجام می داد که پس از نوشتن مجبور می شد نوشته هایش را  
نابود کند. دستهایی که باب و بهاء را علم کردند استثمار کنندگان و مزدورانی بودند که می دانستند اعتقاد  
به توحید سبب همبستگی مسلمانان است و اتحاد موجب می شود راه برای غارت و چپاول و سوء استفاده  
های گوناگون بسته شود لذا دست به دامن این مدعیان کاذب شدند که خود را رب الارباب « یعنی  
پروردگار پروردگاران جهان و آفریدگار معرفی کنند<sup>۵۳</sup>».

<sup>۵۲</sup> صفحه 6 مقدمه گنج شایان.  
<sup>۵۳</sup> صفحه 44 لغات آخر کتاب قاموس ایقان جلد 4.

چنانکه ملاحظه می فرمائید خواستیم معنی رب الارباب را از قول یکی از نویسندگان بزرگ بهائیت (اشراق خاوری) نقل کنیم و به اطلاع برسانیم او هم پیدایش بهاء را ظهور الله و میرزا حسینعلی را منزل کتب و مرسل رسل دانسته نه رسول و نبی<sup>۵۴</sup>.

### «سجده در مقابل بهاء»

با توجه به شواهد و دلایل مندرج در صفحات پیش به عقیده بهائیان نسبت به شخص میرزا حسینعلی پی بردیم و به یقین دانستیم نویسندگان بهائی او را خدای جهان و خالق هستی ها و مرسل پیغمبران و... می دانند. میرزا حیدر علی مبلغ بهائی موقعی خواست به عشق آباد روسیه برود اما از جانب میرزا بهاء به او اطلاع داده شد از آن مسافرت صرفنظر کند. از طرفی دوستانش پیشنهاد کردند بنا به مصلحت و مقتضیات روزگار به شیراز و یزد نرود. حیدر علی ناراحت شد و نامه ای برای بهاء نوشت و متذکر شد خدایا چه کنم اصفهان تهران و عشق آباد را تو نهی فرمودی شیراز و یزد هم دوستانت صلاح ندیدند<sup>۵۵</sup>.

آیا میرزا حیدر علی نمی فهمید بهاء نمی تواند مرسل پیامبرن و منزل کتابهی آسمانی باشد؟ آیا ماموریت داشت باین حزب و دسته همکاری کند؟ در شماره های بعد طبق مدارکی که از کتابهای بهائیت نقل می شود این موضوع روشن خواهد شد.

روزی میرزا حیدر علی خواست پای آقای بهاء را ببوسد اینک شرح ماجرا از قول میرزا حیدر علی:

<sup>۵۴</sup> صفحه 305 قاموس ایقان جلد اول.  
<sup>۵۵</sup> صفحه 231 بهجة الصدور.

«...فانی(حیدرعلی)خواست پای مبارک (بهاء) را زیارت کند و بوسد .... چون روبروی فانی تشریف می آوردند جای نقش دیوارم بود و چون روی مبارک را بطرف آخر می فرمودند...یک قدم، دو قدم و سه قدم بقصد و عزم خود را انداختن روی پای مبارک و بوسیدن و سجده نمودن از جای حرکت می نمود چون توجه به طرف فانی می فرمودند هیمنه جمال و جلال، فانی را به مقرر خود راجع و جمادش می فرمود. سه چهار مرتبه این قسم پیش رفت و برگشت را ملاحظه فرمودند و...فرمودند همانجا بایست... بقدری این بیان مبارک مسرت بخشید که تا ذرات تراب جسدش را باد به هر طرف ببرد از آن کلمه مسرور و فرخنده و متباهی است»<sup>۵۶</sup>

## هر چه آن خسرو کند شیرین بود!

بشر تا چه حد در دریای بی خبری و انحطاط غوطه می خورد که حاضر است در برابر شخصی ضعیف و ناتوان سجده کند و با شنیدن کلمه « بایست» آن چنان شاد می گردد و ادعا می کند تا باد ذرات خاک بدنش را به این سو و آن سو می برد خوشحال است. در حالیکه همین نویسنده اعتراف نموده آقای میرزا حسینعلی تحت تسلط دولت روس قرار گرفته و بهائیان از حمایت بی دریغ دربار روسیه برخوردار بوده

اند.<sup>۵۷</sup>

<sup>۵۶</sup> صفحه 249 بهجة الصدور.  
<sup>۵۷</sup> صفحه 128 بهجة الصدور.

«ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوةً ولهم عذاب عظیم - قهر خدا بر دلها و گوشهای ایشان مهر نهاده و بر دیده هاشان پرده افکنده که فهم حقایق و معارف الهی را نمی کنند و برای ایشان عذاب سختی است - آیه 7 سوره بقره»

### «بهاء به راز دلها آگاه است»

یکی از مبلغان بهائیت به نام محمد طاهر یزدی در عکا در نظر گرفت که در حضور مبارک با لسان قلب بعرض برساند زیرا می دانست که هر فکری به خاطرش خطور کند جمال قدم (بهاء) به آن آگاه است و هر مسئله‌ای که در قلب داشته باشد بدون آنکه بر زبان جاری سازد از لسان مبارک (بهاء) صادر خواهد شد.<sup>۵۸</sup>

اطاعت و بندگی و ستایش مخصوص و برای یکتا خدای جهان آفرین می باشد. تنها خداوند بزرگ است که هر چه در پنهان و آشکار است میداند «والله یعلم ما تسرون و ما تعلنون-آیه 19 سوره نحل» و آنچه خلق در دل پنهان کنند یا آشکار سازند همه آگاه است «و ربک یعلم ما تکن صدورهم و ما یعلنون- آیه 69 سوره قصص». مسلمانان معتقدند مطابق آیات قرآن (آیه 50 سوره انعام-قل لا اقول لکم عندی خزائن الله و...- آیه 65 سوره نمل - قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله و...و...) علم غیب مخصوص خداوند است و پیامبران باذن پروردگاری توانند با عالم غیب مرتبط گردند (عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد الا من ارتضی من رسول....-آیه 26 سوره جن).

<sup>۵۸</sup> صفحه 316 مصابیح هدایت جلد پنجم.

از آقایان بهائیان می پرسیم با توجه به اینکه آقای میرزا حسینعلی خود را رسول و نبی ندانسته گاه مدعی خدایی شده، گاه مظهر خدا و بالاخره خدا آفرین و ناگهان مظلوم، عبد ذلیل، بی علم فانی و خلاصه آنکه هر لحظه به رنگی در آمده چگونه میتوان باور نمود الاقل این موجود بدستور خداوند بزرگ از سر ضمیر آگاه بوده، جز اینست که بگوئیم پروردگار متعال درباره چنین افرادی وعده عذاب و جهنم داده است .

این فصل را با ذکر دو سطر از مقدمه یکی از کتابهای بهائیان خاتمه میدهیم. عزیز الله سلیمانی بهائی می نویسد: «نگارنده خاکسار جبین ستاینده بر زمین بندگی نهاده به کمال عجز و انکسار از آستان جمال قدم (بهاء) مسئلت مینماید که این بینوا (عزیزالله سلیمانی) را دربقیه ایام زندگی نیز مشمول تاییدات خویش گرداند»<sup>۵۹</sup>. با توجه به کلیه مطالب پیش که بدون شک مورد قبول بهائیت است آنانکه عقلا الوهیت انسانی عاجز را نمی پذیرند انفصال خود را از جرگه بهائیان اعلام و از این حزب که در زمان ضعف حکومت قاجار بدست استعمار گران بر ایرانی تحمیل شده کناره گیری نمایند از لجاجت پرهیزند و به صف خدا پرستان و دینداران واقعی بپیوندند به امید آن روز .

«ویجعل الرجس علی الذین لا یعقلون» خداوند کفر و پلیدی را بر افرادی می نهد که تفکر نمیکنند. آیه 100 سوره یونس.

ادامه مطلب در جلد دوم ( عبد البهاء کیست؟ ) ارائه گردیده است ...



<sup>۵۹</sup> مقدمه جلد 5 کتاب مصابیح هدایت.

*www.bahaismiran.com*

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahaismiran@bahaismiran.com](mailto:bahaismiran@bahaismiran.com)

[bahaismiran@gmail.com](mailto:bahaismiran@gmail.com)

[info@bahaismiran.com](mailto:info@bahaismiran.com)

[bahaism\@yahoo.com](mailto:bahaism\@yahoo.com)

